

اخبار حوادث

حمله مسلحانه

به ۳ مامور پلیس میناب



۳ مامور پلیس میناب در حمله مردان مسلح به سرهنگ محمد شریفی، معاون اجتماعی فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: دو مامور انتظامی در حمله افراد مسلح در پاسگاه توکهور شهرستان میناب به شهادت رسیدند. سرهنگ محمد شریفی این دو مامور را ستوان سوم خلیل محمودی اهل استان فارس و استوار دوم احمد جزینی از اهالی استان کرمان معرفی کرد. وی در تشریح این حادثه افزود: شامگاه شنبه ۱۷ شهریور ماه سال جاری یک خودروی سواری هنگام عبور از پاسگاه توکهور میناب ماموران را به رگبار بست که منجر به شهادت دو مامور یادشده شد. سرهنگ شریفی ادامه داد: همچنین دو سرباز وظیفه نیز در این حمله مجروح شدند که به مراکز درمانی منتقل شدند که یک سرباز مجروح در بیمارستان به شهادت رسید. به گفته معاون فرمانده انتظامی هرمزگان، نیروهای ویژه و تخصصی از مرکز استان به شهرستان میناب اعزام شده‌اند و کار شناسایی عاملان حمله با جدیت ادامه دارد.

مرگ دلخراش مسافر خارجی در هواپیمای مشهد!

یک مسافر پرواز مشهد-اربدیل در این پرواز جان باخت. ساعت ۱۰:۴۵ دقیقه صبح دیروز یک مسافر در پرواز مشهد-اربدیل هواپیمایی ساها حالش بد می شود که در ادامه خلبان مجبور می شود فرود اضطراری کند. این مسافر مردی ۸۰ ساله اهل باکو بوده است. خلبان این پرواز در پرواز از بین مسافران درخواست پزشک کرد و یکی از پزشکان مسافر پرواز پس از معاینات اعلام لزوم فرود اضطراری در فرودگاه هاشمی نژاد مشهد کرد. هواپیمابه مشهد بازگشت و پس از حضور آمبولانس، این مسافر بدحال متأسفانه در داخل آمبولانس در گذشت.

مرگ تلخ پسر جوان بخاطر نخردن خودرو

جوانی که نتوانسته بود رضایت پدرش را برای خرید خودرو جلب کند، اقدام به خودکشی کرد. صبح دیروز گزارشی مبنی بر خودکشی یک جوان ۲۰ ساله به کلاتری ۱۰۹ بهارستان اعلام شد. با بررسی علت خودکشی مشخص شد که این جوان از پدرش در خواست خرید خودرو می کند، اما جواب منفی و مخالفت پدر خودرو به رو می شود. جوان ۲۰ ساله پس از مشاهده مخالفت پدرش با خرید خودرو، به خوردن قرص اقدام کرده و دست به خودکشی می زند و با توجه به تعداد زیاد قرص های خورده شده به شدت مسموم و پس از گذشت چند ساعت در بیمارستان فوت می کند و جسد وی نیز به پزشکی قانونی منتقل شد.

درگیری مرگبار در ماجرای ناموسی

درگیری دسته جمعی اهالی یک طایفه به خاطر یک مسئله ناموسی با مرگ پسر جوان پایان گرفت. آخرین ساعت پایانی چهارشنبه ۱۴ شهریور ماه امسال ماموران پلیس آبادان در جریان درگیری دسته جمعی چند جوان در منطقه فیه آبادان قرار گرفتند که در آن با تفتنگ شکاری تیراندازی می شد. خیلی زود ماموران پلیس و یگان امداد آبادان در محل حاضر شدند و مشاهده کردند چند جوان در این درگیری مسلحانه مجروح شده و پسر جوانی نیز به قتل رسیده است. در تحقیقات پلیسی مشخص شد که اعضای یک طایفه که در همسایگی هم قرار داشتند از چند روز قبل اختلافاتشان شروع شده و شامگاه چهارشنبه این درگیری هابه اوج خود رسیده است. ماموران در تجسس های میدانی پی بردند که این درگیری از چندی قبل بر سر مسئله ناموسی صورت گرفته و یک بار نیز در ایستگاه ۱۱۲ این افراد باهم درگیر شده اند که در ادامه این اختلافات و درگیری و هاشامگاه چهارشنبه پسر جوانی به قتل رسیده است. ماموران دایره جنایی پلیس آگاهی آبادان در ادامه کوشگری ها موفق به دستگیری چند مظنون به قتل پسر جوان در این درگیری شدند و عصر جمعه نیز ماموران پلیس مبارزه با مواد مخدر آبادان یکی دیگر از مظنونان این پرونده را دستگیر کرد. بنا به این گزارش، تحقیقات پلیسی برای شناسایی عامل اصلی تیراندازی مرگبار به پسر جوان در پلیس آگاهی آبادان ادامه دارد.

ریاست دختر فراری در باند دزدان خیابانی

مینا در دام شیطانی افتاد



حوادث: دختر جوان که بی خانمان بود در دام شیطانی رییس یک باند تبهکار افتاد و خیلی زود خودش گرداننده شبکه ای از دزدان شد. مجید سسیاه که به زندان افتاد مینا نوچه های او را دور خودش جمع کرد و با شگرد تازه ای به دزدی های سریالی پرداخت.

اسفند ماه سال ۹۵ بود که پدر و مادر دختر ۱۸ ساله ای به نام مینا با مراجعه به پلیس ادعا کردند او برای سر زدن به دوست صمیمی اش از خانه

خبر

زوج تبهکار دستگیر شدند

عاقبت شوم عاشق پیشگی به مرد افیونی

گروه حوادث: زوج جوان که از همان روزهای نخست زندگی شان را با مواد مخدر شروع کرده بودند برای تامین هزینه های اعتیادشان پای در دنیای تبهکاری گذاشتند.

آشنایی در مسیر مدرسه

ثریا ۱۸ ساله بود و وقتی از مدرسه تعطیل شد پسر جوانی را که سوار بر موتور در خیابان حرکت نمایشی انجام می داد را مشاهده کرد تا اینکه پسر جوان جلوی راهش را گرفت و پیشنهاد دوستی را مطرح کرد. دختر جوان که از قبل دلباخته جوان موتور سوار شده بود خیلی زود پیشنهاد جاسم را پذیرفت و دوستی آنها در این مرحله کلید خورد. ثریا و جاسم هر روز با هم در تماس بودند و گاهی اوقات در خیابان باهم قرار ملاقات می گذاشتند تا اینکه رابطه آنها عاشقانه شد و ماجرای ازدواجشان مطرح شد. جاسم ۲۲ ساله بود و نه تنها کاری برای انجام دادن نداشت بلکه گاهی اوقات برای خوش گذرانی مواد مخدر مصرف می کرد. دختر جوان وقتی فهمید مرد رویاهایش مواد مخدر مصرف می کند ابتدا با او مخالفت کرد و خواست تا جاسم دیگر دست از خوشگذرانی های افیونی اش بردارد اما بی فایده بود و ثریا که عاشق پسر جوان شده بود وقتی به خودش آمد دید که در کنار جاسم در حال مصرف مواد مخدر است.

از دواج افیونی

ثریا که به صورت تفریحی با جاسم مواد مخدر

بودند و مرتب با مینا اختلاف داشتند روزی که مینا به من گفت می خواهم فرار کند باور نکردم تا اینکه به من زنگ زد و گفت سوار اتوبوس شده و راهی تهران شده است شهر ما هم بزرگ است اما مینا نمی خواست هیچکس را ببیند و شناخته شود بعد گفت که موبایلش را خاموش می کند و بیرون می اندازد خواست او را ببخشم که تنهایم گذاشته است التماسش کردم بر گردد گوش نکرد صدای ضبط شده اش را دارم و الان نمی دانم کجاست؟! فقط این را می دانم که مینا دختر خوبی بود و پدر و برادرش گناهکار هستند!

دام شیطان

مینا که شهرشان را ترک کرده بود به تهران رسید و مقداری پول داشت که تنها می توانست گرسنه نماند و سرپناهی داشته باشد اما هر چه جست و جو کرد جایی برای خوابیدن پیدا نکرد و شبانه سوار اتوبوس شد و به یکی از شهرهای شمالی رفت.

خیلی زود خانه ای برای یک هفته اجاره کرد می خواست شغلی پیدا کند تا در همان شهر بماند اما موفق نشد و با پایان یافتن پول هایش هنوز ۱۰ روز نشده بود که سرگردان خیابان ها و ساحل دریا شد.

یک شب که مینا گرسنه بود توسط پسری تنومند به نام مجید به خوردن شام دعوت شد و او از روی ناچاری پذیرفت مجید که می دید مینا لباس های کثیف و ظاهری ژولیده دارد از او خواست به خانه او رفته و استحمام کند و طوری وانمود کرد که از روی جوانمردی چنین پیشنهادی داده است.

مینا پذیرفت بدون اینکه بداند پسر مهربان معروف به مجید سیاه است که

ریاست یک باند سرقت را بر عهده دارد. آن شب مینا با وجود التماس به مجید چاره ای جز تسلیم شدن در برابر خواسته های شیطانی او ندید و از فردای آن شب شوم خودش هم عضو باند سرقت شد.

دیده بان

مینا در سرقت های باند مجید سیاه مامور دیده بانی بود و باید مراقب می شد تا در زمان سرقت پلیس آنها را غافلگیر نکند. این باند وسایل داخل ماشین های مسافران و ساکنان محدوده خودشان را به سرقت می بردند. ۶ ماه گذشته بود که مجید سیاه دستگیر شد و اعضای باندش پراکنده شدند تا ردی از آنها به دست نیاید.

ریاست زنانه

مینا که دیگر به یک خلافکار تبدیل شده بود وقتی دید نبودن مجید می توانست شرایط زندگی او را به خطر بیندازد خودش دست به کار شد و همه نوچه های باند را دور خودش جمع کرد.

شگرد جدید

مینا نمی خواست به سرقت از خودروها بپردازد او شگرد باند را عوض کرد آنها باید به شهرهای مختلف سفر می کردند و دست به کیف قاپی و موبایل قاپی می زدند.

آنها گاهی سوار بر موتور راهی سفر می شدند و گاهی برای مسافت های طولانی موتور ها را پشت وانت یکی از اعضای باند گذاشته و راهی محل سرقت ها می شدند و بعد از یک روز کامل سرقت به شهر اصلی بر می گشتند

بازداشت اتفاقی

۸ ماه از این دزدی ها و ریاست مینا می گذشت که عبدالله یکی از دزدان با

وجود فرار همدستش در محاصره مردم افتاد و دستگیر شد. عبدالله وقتی در اختیار پلیس قرار گرفت لب به اعتراف گشود و پرده از ریاست مینا در باند سازمان یافته سرقت برداشت.

همین اعترافات کافی بود تا تیمی از پلیس در عملیات های همزمان مینا و نوچه اش را به دام بیندازد.

اعتراف مینا

مینا که باور نمی کرد دستگیر شده است ابتدا خود را بی گناه دانست و اصرار کرد از بی سرپناهی در دام ۶ دزد افتاده است و از آنها همیشه می ترسید. در برابر این ادعاها هر ۶ دزد این باند در مواجهه حضوری مینا را رییس باند دانستند و همین کافی بود تا این دختر جوان راهی جز اعتراف ننیند.

مینا در بازجویی ها پذیرفت که با نوچه هایش موبایل و کیف می دزدیدند و با ۲ مالخر حرفه ای نیز در ارتباط بودند.

همزمان با افشای راز مینا که دختر فراری و تحت تعقیب پلیس شهرشان بود ۲ مالخر حرفه ای نیز دستگیر شدند.

گفت و گو با دختر تبهکار

مینا آرام نشسته و خون سردانه از پنجره اتاق به پدرش چشم دوخته که در حال صحبت با افسر پرورده بود:

چند ساله ای؟

۲۱ سال

چرا فرار از خانه؟

آن مرد - اشاره به پدرش - را می بینید باعث و بانسی بدبختی هایم شده و حالا هم تهدید می کند.

تهدید چی؟

هنوز فکر می کنه من همان مینای ۲ سال پیش هستم تهدید می کنه توی



داخل خانه را مشاهده کردند به ناچار لب اعتراف گشود. زن جوان در حالیکه که لشک می ریخت گفت: همه زندگی ام به خاطر احساسات و عشق به جاسم خراب شد و آنقدر عاشق بودم که چشمانم را به واقعیت ها بستم و پای در زندگی افیونی جاسم گذاشتم و بعد از اینکه خود نیز اعتیاد پیدا کردم به ناچار همراه او دست به خلاف زدم. وی افزود: وقتی همراه جاسم و جمشید به محل های سرقت می رفتیم کمتر کسی فکر می کرد که با دزد باشیم، چون در قالب یک خانواده برای دزدی دست به کار می شدیم. ثریا گفت: هیچ وقت فکر نمی کردم دستگیر شویم اما تنها انگیزه ای که برای سرقت داشتیم تامین هزینه اعتیادمان بود. بنا به این گزارش، زوج جوان پس از اعتراف به دزدی هایشان روانه زندان شدند و تحقیقات برای دستگیری جمشید، تنها متهم این باند حرفه ای ادامه دارد.

گره های نو عروس افیونی

ثریا که هنوز بساور ندارد همراه شوهرش دستگیر شده ابتدا با اصرار های جاسم خود را بیگناه می دانست اما وقتی فیلم دوربین مدار بسته

مشخص نیست. جسد این دختر برای بررسی علت مرگ در اختیار پزشکی قانونی قرار گرفت.

دومین جسد

پیدا شدن دومین جسد در ماجرای غرق شدن در ساحل بابلرس باعث شد تا تنها جوان بازداشت شده که هنوز مست است برای شناسایی به پزشکی قانونی منتقل شود. علی روستایی آهنگر رییس جمعیت هلال احمر بابلرس و رییس کمیته مقابله با تلفات انسانی در رای بابلرس گفت: پس از کشف جسد دختر ۱۷ ساله که ساعت ۰۹:۳۰ در ساحل پارکینگ ۴ کشف شد، جسد پسر جوانی با هویت نامعلوم نیز بین پارکینگ ۵ و یک کشف شد.

وی افزود: به نظر می رسد این دو فرد به همراه چند تن دیگر باهم به دریا امده باشند و همزمان غرق شده اند و تاکنون نتوانستیم هویت این فرد را شناسایی کنیم. پسر جوانی که با حالتی غیرطبیعی دستگیر شده بود به زندان بابل انتقال یافت. غریب دوم برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. پسر بازداشت شده که هنوز حالت عادی خود را بازیافته است، می گوید که نمی داند چند نفر بوده اند و برای شناسایی پسر فوت شده به پزشکی قانونی منتقل می شود. بنا به این گزارش، یک دختر همراه این افسراد، با به فرار گذاشته است.

مرگ مرموز دختر و پسر تهرانی در پارتهی ساحلی

دو پسر و یک دختر ۲۲ ساله به عنوان همراه دختر تهرانی در صحنه حاضر بودند. وضعیت افراد حاضر در صحنه غیر عادی بود و بر خوردها و رفتار های شان حاکی از مستی بود. آهنگر ادامه داد: یکی از این افراد را برای بازجویی در خصوص نحوه رخداد این حادثه تحویل کلاتنری دادیم و یک دختر و یک پسر دیگر فرار کردند. علت مرگ دختر ۱۷ ساله مورد نظر،

اجساد دختر ۱۷ ساله تهرانی و پسری دیگر که در ساحل پارکینگ ۴ بابلرس غرق شده بود، پیدا شدند. علی روستایی آهنگر رییس جمعیت هلال احمر بابلرس و رییس کمیته پیشگیری از حوادث و تلفات انسانی در رای بابلرس گفت: ساعت ۰۳:۱۰ بامداد یکشنبه گزارشی از یک دختر غرق شده دریافت کردیم و مسئولین ارزیابی را اعزام کردیم. وی افزود:

ساعت ۲ بامداد در بابلرس رخ داد